

### چکیده

امروزه تعدادی از بازیگران مهم منطقه‌ای در خاورمیانه دارای سلاحهای اتمی، بیولوژیک، شیمیایی و یا موشکهای دور برد با قدرت تخریبی بالا هستند. همین امر، اهمیت و فوریت موضوع تهدید سلاحهای کشتار جمعی در منطقه و نیز بررسی راههای مقابله با آن را نشان می‌دهد. در این زمینه، نویسندگان ابتدا به ارزیابی برنامه‌های تسلیحاتی بازیگران اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخته، و سپس با شناسایی نقاط ضعف رژیم بین‌المللی کنترل تسلیحات کشتار جمعی، موانع و کاستیهای موجود بر سر راه پیشرفت در مذاکرات بین‌المللی را خاطر نشان می‌سازد. از این دیدگاه، اگر چه رویدادهایی مانند سرنگونی رژیم عراق، توقف برنامه‌های هسته‌ای لیبی و افزایش آگاهی عمومی از برنامه‌های اسراییل در سالهای اخیر دلگرم کننده می‌نماید، هنوز موارد مشکل آفرینی چون عدم جدیت پنج کشور اصلی هسته‌ای در اجرای تعهدات خود، اجرا نشدن معاهده منع کامل آزمایشهای اتمی و نیز خودداری سه کشور پاکستان، هند و اسراییل از پیوستن به معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی وجود دارد و سبب تضعیف رژیم کنترل و عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: منطقه خاورمیانه، مسابقه تسلیحاتی، سلاحهای کشتار جمعی،

بازدارندگی، جنگ و منازعه، رژیم بین‌المللی کنترل تسلیحات

\* دانشیار علوم سیاسی و معاون پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۳۰-۱

در این پژوهش به دو پرسش اصلی پاسخ داده می شود: ۱. تا چه حد سلاحهای نامتعارف در معادلات قدرت کشورهای خاورمیانه، و نیز در رابطه بازیگران منطقه‌ای با قدرتهای بزرگ اهمیت دارد؟ ۲. راههای موثر برای توقف مسابقه تسلیحات نامتعارف و بهبود محیط امنیت منطقه‌ای چیست؟ در بخش نخست، به ارزیابی برنامه‌های تسلیحاتی بازیگران اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و نیز شدت و فوریت تهدید امنیتی ناشی از اشاعه این جنگ افزارها در خاورمیانه پرداخته می شود. در بخش دوم، نقاط ضعف رژیم بین‌المللی کنترل تسلیحات کشتار جمعی با هدف جستجوی راه حلی مناسب برای کاهش این تهدید مورد مطالعه قرار می گیرد. اهمیت موضوع به این دلیل است که تسلیحات کشتار جمعی برخلاف سلاحهای متعارف منجر به کشتار بسیار گسترده در سطح محلی و ملی می شود. با وجود آگاهی از قدرت تخریب آنها، در منطقه خاورمیانه استفاده از این گونه تسلیحات پدیده جدید و شگفت‌انگیزی نیست. در واقع، از اوایل قرن بیستم سلاحهای شیمیایی که در گروه تسلیحات نامتعارف قرار دارد بارها در جنگهای بین‌کشوری و حتی در درون کشورها علیه غیرنظامیان به کار گرفته شده است. ده کشور خاورمیانه‌ای از جمله اسرائیل، الجزایر، ایران، پاکستان، سوریه، لبنان، لیبی، عربستان سعودی و مصر در زمره کشورهای منطقه‌ای قرار دارند که دارای سلاحهای اتمی، بیولوژیک، شیمیایی و یا موشکهای کروز و بالستیک کوتاه‌برد، میان‌برد و یا دوربرد هستند؛ و برخی از قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای مبادرت به استقرار سلاحهای نامتعارف در پایگاههای نظامی خود در خاورمیانه کرده و حتی این جنگ افزارها را به صحنه‌های نبرد منطقه وارد کرده‌اند.

### نقش سلاحهای کشتار جمعی در جنگهای خاورمیانه

سلاحهای متعارف از لحاظ قانونی ممنوع نبوده و برای دفاع از خود مشروع تلقی می‌شوند. البته تلاشهای جهانی برای غیرقانونی کردن تولید و استفاده از گروهی

از جنگ افزارهای متعارف که غیر انسانی تر به شمار می آیند، مانند مین زمینی ادامه دارد، گرچه این کوششها هنوز ثمر بخش نبوده و به امضای معاهده های لازم الاجرای جهانشمولی منتهی نشده اند. برای جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی از جمله سلاحهای شیمیایی، بیولوژیک و اتمی سه قرارداد و معاهده بین المللی مهم کنترل تسلیحات وجود دارد: ۱۸۹ کشور، معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی (۱۹۷۰) را امضا کرده اند، و شمار کشورهای امضا کننده معاهده منع سلاحهای بیولوژیک (۱۹۷۲)، و کنوانسیون تسلیحات شیمیایی (۱۹۹۳)، به ترتیب ۱۵۲ و ۱۶۲ می باشند.

گرچه سلاحهای اتمی، بیولوژیک و شیمیایی اغلب با عنوان «سلاحهای کشتار جمعی» در یک گروه قرار داده می شوند، تفاوت های آشکاری بین آنها دیده می شود. اول اینکه در برابر سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک چنانچه موارد استفاده از آنها به موقع آشکار گردد، می توان با استفاده از پوشش مناسب حفاظتی، مانند ماسک گاز، از آثار سوء مواد مضر برای سلامت انسانها جلوگیری کرد؛ در حالی که قادر به خنثی کردن اثرات زیان بار انفجار بمبهای هسته ای و آتش سوزی و تشعشعهای رادیواکتیویته ناشی از آن نخواهیم بود. آثار سلاحهای بیولوژیک به آهستگی ظاهر شده و امکان دارد که روزها و هفته ها سپری شود تا نشانه های بیماریهای ناشی از این سلاحها پدیدار گردد. به دلیل کم هزینه تر بودن و سهولت دستیابی به فناوری و مواد لازم برای تولید آنها، سلاحهای بیولوژیک، «سلاح اتمی فقرا» نامیده شده است. با صرف ۱۰ میلیون دلار، یک کشور می تواند زرادخانه بزرگی از سلاحهای بیولوژیک تهیه کند، در حالی که برای دستیابی به سلاحهای اتمی حداقل صدها میلیون دلار باید هزینه کند. این تسلیحات با تاثیر روانی مشابه سلاحهای اتمی، در زمره سلاحهای کشتار جمعی قرار دارند و می توانند در حملات گسترده علیه غیر نظامیان در مناطق شهری به کار برده شوند تا رهبران سیاسی و نظامی چاره ای جز تسلیم نداشته باشند. میزان تاثیر سلاحهای نامتعارف بستگی به شرایط آب و هوایی، محیط جغرافیایی، زمان، میزان آمادگی برای دفاع غیر نظامی و غیره دارد. دوم اینکه دستیابی به مواد لازم



برای ساخت سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک به دلیل کاربرد دوگانه آنها در بخش نظامی و غیرنظامی آسان تر است.<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۱۷ برای حفظ قلمرویی که پس از استقلال آن «عراق» نامیده شد، انگلستان تصمیم به معرفی سلاحهای شیمیایی در صحنه نبرد گرفت. با وجود مخالفتهایی که در پارلمان انگلیس ابراز شد، وینستون چرچیل که در آن هنگام وزیر امور مستعمرات بود، بیان داشت: «من این ناراحتیها را در مورد استفاده از گاز (شیمیایی) درک نمی‌کنم. من به شدت موافق کاربرد گازهای سمی علیه قبایل بی تمدن هستم.»<sup>۳</sup> در اواخر دهه ۱۹۲۰، سلاحهای شیمیایی توسط ایتالیا علیه لیبی و توسط نیروی هوایی مصر علیه نیروهای سلطنت طلب در جنگ داخلی یمن در سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۳ به کار گرفته شد. اسرائیل در دهه ۱۹۶۰ به تولید جنگ افزارهای اتمی پرداخت و مانند دشمنان عرب خود (مصر و سوریه) در ۱۹۷۳ که طرفین جنگ موشکهای کروزر علیه یکدیگر پرتاب کردند، نیروهای نظامی خود را به سلاحهای شیمیایی مجهز نمود. در جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱، صدام حسین فرمان پرتاب موشکهای بالستیک اسکاد-ب خود را به سوی هدفهایی در اسرائیل، بحرین و عربستان سعودی صادر کرد. سرانجام آمریکا علیه عراق در ۱۹۹۱ و نیز ۱۹۹۳ اقدام به حمله‌های گسترده موشکی نمود. در آوریل همان سال بیل کلینتون، رییس جمهور وقت آمریکا برای مجازات صدام حسین در پی اقدام وی به اجرای نقشه ترور جورج بوش پدر در سفر خود به کویت، دستور پرتاب ۲۳ موشک علیه مواضع عراق را صادر کرد (جدول ۱).

مصر در اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع به تولید سلاحهای شیمیایی از جمله گاز خردل نمود، و همان طور که اشاره شد، در جنگ یمن از این سلاحها استفاده کرد. انور سادات در سال ۱۹۷۰ برای نخستین بار وجود سلاحهای بیولوژیک را در زرادخانه مصر علنی کرد و دو سال بعد زمانی که وی به مقام ریاست جمهوری رسیده بود، بار دیگر عنوان کرد که «کشورش دارای سلاحهای بیولوژیک نگه‌داری شده در سردخانه است که می‌تواند علیه جمعیت متراکم اسرائیل به کار برده شود.»<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که بیانیه سادات از روی برنامه و هم‌زمان با

تصمیم برای حمله غافل گیرانه علیه اسرائیل بوده است تا توانایی بازدارندگی راهبرد نامتعارف مصر برای خنثی سازی حمله اتمی تلافی جویانه اسرائیل برای همگان آشکار شود.<sup>۵</sup> در آن زمان اسرائیلی ها و دیگران از وجود تسلیحات شیمیایی در زرادخانه مصر اطلاع داشتند، و سادات با تاکید بر توانایی تسلیحات بیولوژیک کشور خود در صدد برآمد تا توازن قوای نظامی بین اعراب و اسرائیل را به نفع اعراب تغییر دهد. در جنگ اکتبر ۱۹۷۳، نیروهای نظامی اعراب و اسرائیل به تسلیحات شیمیایی مجهز بودند. در سال ۱۹۹۱، دولت قاهره ادعا کرد که در گذشته مقادیر زیادی سلاحهای شیمیایی در اختیار داشته، اما در حال حاضر تولید این سلاحها تنها مربوط به آن سطحی است که از توانایی دفاعی و بازدارندگی خود اطمینان حاصل کنند.<sup>۶</sup> بین مصر و عراق نیز در زمینه تولید سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک و نیز تولید موشک، همکاریهایی وجود داشته است. برنامه موشکی «کاندور»<sup>۷</sup> بین سه کشور مصر، عراق و آرژانتین که برای کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی و بیولوژیک در دهه ۱۹۸۰ طراحی شده بود، بر اثر فشارهای بین المللی متوقف شد. پیش از جنگ ۱۹۹۱، هزاران مصری در کارخانهها و مراکز نظامی - صنعتی عراقی مشغول به کار بودند. در همین راستا وزیر امور خارجه مصر بارها از حق عراق برای کسب توانایی سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک دفاع کرد.

در خاورمیانه، بخش عمده مسئولیت اشاعه سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای بالستیک، بر دوش قدرتهای بزرگ جهانی قرار دارد و فقط با تغییر مواضع آنها می توان به این مشکل رسیدگی کرد. در دهه ۱۹۶۰، شوروی به هم پیمانان خود در منطقه خاورمیانه، موشکهای کوتاه برد و سپس موشکهای کروزممانند ساملت،<sup>(۱)</sup> و موشکهای میان برد بالستیک مانند اسکاد فروخت. اسرائیل از فرانسه فناوری موشکی دریافت کرد، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ برنامه تولید نخستین نوع از موشکهای میان برد و دوربرد موسوم به اریحا را آغاز نمود.

امروزه، به غیر از ۵ کشور بزرگ اتمی جهان، ۲۸ کشور دیگر دارای موشکهای بالستیک می باشند و کمتر از ۱۰ کشور دارای توانایی تولید و نگهداری از موشکهای خود

بالمستیک میان‌برد و بمب افکنهایی دارد که مناطق پیرامونی خاورمیانه (مانند روسیه) را در تیررس نیروهای خود دارد. در سال ۲۰۰۰، گزارش شد که یک زیردریایی اسرائیلی موفق به پرتاب موشک کروز شده و هدفی را در فاصله ۹۵۰ مایلی مورد اصابت قرار داده است.<sup>۱۲</sup> پس از آمریکا و روسیه، اسرائیل سومین کشور در جهان است که به چنین توانایی دستیابی پیدا کرده است. دولت یهودی تصمیم دارد، دست کم سه زیردریایی خود را برای پرتاب موشکهای کروز در حالت آماده باش مجهز کند. سلاحهای اتمی اسرائیل شامل بمبهای تاکتیکی و نیز بمبهای بزرگ «شهر خراب کن»<sup>(۱)</sup> است که با قدرت تخریب آن بیش از بمبی است که بر فراز هیروشیما منفجر شد.<sup>۱۳</sup>

اسرائیل سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی نیز در اختیار دارد. در مؤسسه بیولوژیک نر تزییونا<sup>(۲)</sup> انواع مختلف سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک تولید می‌شود. جتهای جنگنده اف-۱۶ دریافتی از آمریکا برای پرتاب بمبهای شیمیایی و بیولوژیک طراحی شده اند و خلبانان اسرائیلی برای پرتاب بمبهای نامتعارف، دوره‌های آموزشی لازم را گذرانده اند. گزارشهای تکان دهنده‌ای در سال ۱۹۹۸ در مورد برنامه‌های تسلیحاتی اسرائیل در روزنامه‌های انگلیسی منتشر شد. دولت اسرائیل با استفاده از دستاوردهای پژوهشهای گسترده دولت سابق نژادپرست آفریقای جنوبی در حال پژوهش و تولید «بمب قومی»<sup>(۳)</sup> است تا ژن شاخص نژاد عرب را شناسایی کند و بتواند ویروس و یا باکتری مخصوص حمله بیولوژیک به اعراب را بیابد. احتمال تولید «سلاحهای کشتار جمعی قومی» طراحی شده برای کشتن یا آسیب وارد آوردن به گروههای قومی خاص وجود دارد. نیروی دریایی آمریکا سالها پیش در ۱۹۵۱ حتی پیش از آغاز پژوهش در زمینه مهندسی ژنتیک، با مشاهده این واقعیت که سیاه پوستها بیش از سفیدپوستها در معرض ابتلا به نوعی بیماری موسوم به «تب دره»<sup>(۴)</sup> بودند، اقدام به آزمایشهایی در یکی از مراکز نیروی دریایی در پنسیلوانیا نمود. در ۱۹۹۷، ویلیام کوهن، وزیر

1. City Busters  
2. Nez Tziyona  
3. Ethno-Bomb  
4. Valley Fever



دفاع آمریکا، ویلیام کوهن ادعا کرد که «جامعه علمی از راه مهندسی ژنتیک خیلی نزدیک به تولید پاتوژنهایی است که می‌توانند از لحاظ قومی شاخص باشند.»<sup>۱۴</sup>

### ابعاد منطقه‌ای بحران دیپلماتیک برنامه انرژی اتمی ایران

در محیط ناامن منطقه به جای تاکید بر انهدام زرادخانه کشتار جمعی اسرائیل، در طرح‌های اخیر آمریکا برای خاورمیانه، از مسابقه تسلیحاتی سایر کشورهای منطقه انتقاد می‌شود. بازیهای جنگ در سیا و پنتاگون در مورد پیامدهای حمله نظامی به مراکز هسته‌ای ایران به نتیجه نامطلوبی از دیدگاه آمریکا رسیده‌اند؛ زیرا پیش‌بینی می‌شود که در صورت تهاجم مستقیم به ایران، احتمال دارد این کشور به مواضع اسرائیل و یا به پرسنل نظامی آمریکا در خلیج فارس، عراق و افغانستان در اقداماتی تلافی‌جویانه آسیب وارد آورد. حدود ۱۴۰ هزار نظامی آمریکایی در مناطق پیرامونی ایران مستقر هستند و هدف‌های نزدیکی را برای موشک‌های ایرانی به وجود آورده‌اند. موشک‌های بالستیک ایران دارای برد کافی برای رسیدن به کشتی‌های آمریکایی در آب‌های جنوبی خلیج فارس و سربازان مستقر در پایگاه‌های آمریکا در کشورهای همسایه هستند.

حمله نظامی آمریکا می‌تواند به طور غیرمستقیم به دست نیروهای اسرائیلی انجام شود. مقامات اسرائیلی به صراحت سیاست دولت یهودی را آشکار نکرده، و اغلب با سخنان دوپهلویی به احتمال حمله نظامی علیه مراکز اتمی ایران اشاره‌هایی داشته‌اند. صریح‌ترین بیانیه در این زمینه از سوی وزیر دفاع اسرائیل مطرح شد. شائول موفاز ایرانی الاصل که در سال ۱۹۵۷ همراه خانواده به اسرائیل مهاجرت کرد و از نوامبر ۲۰۰۲ در کابینه شارون وزیر دفاع بوده است، بارها از تهدید برنامه اتمی ایران سخن گفته است. وی در برنامه فارسی رادیو اسرائیل در دسامبر ۲۰۰۳ گفت: «اگر نیاز به نابودی توانایی اتمی ایران باشد، اقدامات لازم انجام خواهد شد تا به شهروندان ایرانی آسیبی وارد نشود.»<sup>۱۵</sup> چند روز بعد، وزارت امور خارجه اسرائیل توضیح داد که وزیر دفاع در مصاحبه رادیویی خود احتمال حمله اسرائیل به ایران

را مطرح نکرده است: <sup>۱۶</sup> در اوایل سال ۲۰۰۵، در حالی که ادعای کرد «اسرائیل نمی‌تواند ایران مسلح به سلاح‌های اتمی را بپذیرد»، اضافه کرد که «راه دیپلماتیک برای عبور از بن بست هسته‌ای ایران باید در اولویت برنامه‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل قرار داشته باشد.» به نظر می‌آید هدف وی تنش زدایی پس از بیانات دیک چنی بوده باشد؛ زیرا معاون بوش برنامه اتمی ایران را در «صدر فهرست» مسایل جهانی قرار داده و هشدار داده بود که اسرائیل ممکن است اقدام به حمله‌ای پیشدستانه برای متوقف ساختن برنامه ایران بنماید. <sup>۱۷</sup>

برای نابودی کامل مراکز اتمی ایران در بوشهر، اراک و نطنز، اسرائیل باید دست کم ۳۰۰۰ بمب هدایت شونده پرتاب کند که بیشتر این جنگ افزارها را از آمریکا دریافت کرده است. بنا بر قانون کنترل تسلیحات آمریکا، کشورهایی که دریافت کننده سلاح‌های آمریکایی هستند، تنها مجاز هستند از آنها برای حفظ امنیت داخلی، دفاع از خود مشروع، و برای جلوگیری یا کند کردن روند اشاعه تسلیحات کشتار جمعی استفاده کنند. در تمرینهای نظامی آمریکا، کمک و همکاری محدود یا نامحدود هم پیمانان خاورمیانه‌ای آمریکا فرض گرفته می‌شود. در درگیریها و جنگ‌های گذشته مانند جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ و حمله به عراق در ۲۰۰۳، این کمکها شامل استفاده از حریم هوایی اردن، ترکیه، عربستان و نیز مراکز سوخت‌گیری هواپیماها در قلمروی اسرائیل بود. در شرایطی که معلوم نیست آیا اسرائیل به مراکز اتمی ایران حمله پیشگیرانه خواهد کرد یا نه، دولت بوش اقدام به انتقال ۵۰۰۰ بمب هدایت شونده سنگین شامل ۵۰۰ بمب ۲۰۰۰ پوندی «نفوذ کننده در زمین» نمود که برای انهدام سنگرها و استحکامات زیرزمینی طراحی شده است. نمایندگان کنگره برای این انتقال اسلحه به ارزش ۳۱۹ میلیون دلار که در اواخر بهار ۲۰۰۵ توسط دولت بوش پیشنهاد شد، مانعی ایجاد نکردند. این قرارداد از محل کمک نظامی ۱۶/۲ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل در سال ۲۰۰۵ تامین مالی می‌شود. از آنجایی که حمله علیه مراکز ایران شامل سه مجتمع صنعتی بزرگ و چندین مرکز نظامی - دفاعی می‌شود، موفقیت این حمله مستلزم بمبارانهای هوایی گسترده‌ای است. در عملیات نظامی گسترده جنگ خلیج فارس،



نیروی هوایی آمریکا حدود ۸۴۲۰۰ تن بمب که ۷۴۰۰ تن آن را مهمات دقیق-هدایت شونده تشکیل می دادند، به اهدافی در قلمروی عراق پرتاب کرد.<sup>۱۸</sup> در یکی از نقشه های حمله به ایران حدود ۳۰۰ مرکز، تأسیسات و مقرّ پشتیبانی سلاحهای کشتار جمعی شامل ۱۲۵ مجتمع نظامی که احتمال می دهند به پژوهش، توسعه یا تولید سلاحهای شیمیایی، بیولوژیک و اتمی اختصاص داشته باشد، مشخص شده است. چنین حمله نظامی بزرگی تلفات جانی و مالی فراموش نشدنی به بار می آورد و اقدامات تلافی جویانه ایران را در پی خواهد داشت.<sup>۱۹</sup>

کارشناسان آمریکایی نیز بر این باورند که حمله مستقیم آمریکا به ایران برای تخریب بوشهر یا مراکز اتمی دیگر بسیار پرهزینه خواهد بود؛ زیرا ایران می تواند در واکنشی انتقام جویانه به مین گذاری در تنگه هرمز پرداخته و قیمت نفت از این هم بالاتر رود. ایران می تواند با حمایت از گروههای مخالف آمریکا در عراق، و افغانستان برای اسراییل و آمریکا در منطقه مشکل آفرین شود. بنابراین آمریکا باید به بازدارندگی و مهار ایران ادامه دهد و از ابزارهای زیر استفاده کند: افزایش حضور نظامی آمریکا در پیرامون ایران، استقرار سلاحهای اتمی در کشتیهای آمریکایی در نزدیکی سواحل ایران، افزایش حمایت از کشورهای منطقه در برابر حمله های موشکی ایران (از جمله کمک بیشتر و سریع تر به اسراییل برای تولید سیستم ضد موشک ارو<sup>(۱)</sup>)، ایجاد چتر اتمی آشکار برای کشورهای که مورد تهدید حمله های احتمالی ایران قرار می گیرند، و در نهایت انتقال و فروش سلاحهای پیشرفته تر به کشورهای پیرامون ایران (از ترکیه متحد ناتو گرفته تا نیروهای جدید عراقی و کشورهای باثبات تر عرب خلیج فارس).<sup>۲۰</sup>

افرایم سنه، معاون اسبق وزارت دفاع و نماینده حزب کارگر اسراییل در کنست (پارلمان)، کسب توانایی اتمی ایران را حتی بدتر از انتفاضه فلسطینی معرفی می کند؛ زیرا به اعتقاد وی، این تحول به سه دلیل تهدیدی حیاتی برای اسراییل منجر خواهد شد: ۱. مساحت جغرافیایی کوچک و تمرکز شهرها و مراکز صنعتی-اقتصادی اسراییلی در یک یا دو مکان

1. Arrow

اصلی، آسیبهای وارد آمده بر اثر یک حمله اتمی را به شدت افزایش می دهد. تنها یک بمب اتمی کافی خواهد بود تا به حیات دولت یهودی پایان داده شود؛<sup>۲۰</sup> ترس از احتمال وقوع یک حمله اتمی قریب الوقوع علیه اسرائیل شرایط زندگی عادی را تغییر می دهد و حتی از تهدید دایمی حمله های موشکی عراق در هنگام جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ مختل کننده تر خواهد بود؛<sup>۲۱</sup> اگر ایران به سلاح های هسته ای دست یابد، اسرائیل قادر نخواهد بود که آزادانه با همسایگانش وارد مذاکره برای صلح شود. جالب این است که وی پیشنهاد می کند، مشابه رویدادهای موسوم به «انقلاب نارنجی» اوکراین، جامعه بین المللی تلاش کند تا مردم ایران را به سرنگون سازی رژیم تشویق کند. به نظر وی اگر حکومت اسلامی ایران تغییر کند، تهدید ناشی از سلاح های هسته ای ایران به شدت کاهش می یابد. اسرائیل می تواند با یک ایران اتمی که رژیم «معقول» دموکراتیک و سکولاری مانند ترکیه داشته باشد، در صلح زندگی کند.<sup>۲۱</sup> دولت ایران در واکنش های شدید الحنی به این تهدیدها که در منابع خبری اسرائیل بازتاب داشته، بر توانایی و اراده ملی برای دفاع و عملیات تلافی جویانه تاکید کرده است.<sup>۲۲</sup>

### انگیزه های برنامه های تسلیحات نامتعارف خاورمیانه عربی

نباید تصور شود که تنها بازیگران منطقه ای قدرتمندتر و بزرگ تر در خاورمیانه بزرگ مانند ایران، عراق، اسرائیل و پاکستان دارای جاه طلبی هسته ای باشند. دلایل زیادی برای دل بستگی کشورهای منطقه خاورمیانه به سلاح های کشتار جمعی از جمله سلاح اتمی وجود دارد:

۱. شان و جایگاه بهتر در منطقه و جهان، کشورهای کوچک و ضعیف تر خاورمیانه مانند امارات متحده عربی و کویت، بدون در نظر گرفتن امکانات داخلی برای جذب تجهیزات و جنگ افزارهای جدید به طور موثر و یا دارا بودن توانایی حفظ و نگه داری آنها، همواره به دنبال تهیه سلاح های مدرن و پیشرفته مانند جنگنده های اف-۱۶ آمریکایی و موشک های بالستیک بوده اند؛

۲. نیاز به بازدارندگی سایر کشورها در منطقه‌ای که بدبینی و دشمنی تاریخی آشکاری بین دولتها وجود داشته است؛

۳. نیاز به افزایش توانایی جنگیدن و کاربرد سلاحهای نامتعارف به عنوان ابزاری که می‌تواند به شکست دشمنان و رقبایی منجر شود که دارای تسلیحات متعارف پیشرفته و برتری هستند؛

۴. جنگهای اول و دوم خلیج فارس نشان داد که موشکهای بالستیک و کلاهکهای نامتعارف می‌توانند به کشورها قدرت دهند تا از نیروی نظامی خود علیه مواضع نظامی و غیرنظامی دشمن استفاده کنند؛

۵. نیاز به بازدارندگی و جلوگیری از استفاده از سلاحهای نامتعارف توسط قدرتهای بزرگ مداخله‌گر در منطقه، به ویژه آمریکا در شرایطی که جورج بوش، رئیس‌جمهور این کشور، در سخنرانی خود در وست پوینت (ژوئن ۲۰۰۲) اعلام کرد که «آمریکا ممکن است اقدام به حمله پیشدستانه علیه تهدیدهای ناشی از اشاعه سلاحهای کشتار جمعی نماید.» پیشتر، راهبرد نظامی جدید آمریکا در گزارش «بازبینی وضعیت هسته‌ای»<sup>(۱)</sup> (۳۱ دسامبر ۲۰۰۱) مطرح شده بود. در این سند بر هر دو راه حل متعارف و اتمی برای بازدارندگی و دفاع در برابر این تهدیدها تاکید شده است.<sup>۲۳</sup> در «راهبرد ملی برای مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی»، بوش تاکید می‌کند: «ما به خطرناک‌ترین رژیمهای دنیا و تروریستها اجازه نخواهیم داد که ما را با مخرب‌ترین سلاحهای دنیا تهدید کنند. ما باید بالاترین اولویت را برای حفاظت از ایالات متحده، نیروها، دوستان و هم‌پیمانان خود در برابر تهدید سلاحهای کشتار جمعی موجود و فزاینده، قایل شویم.»<sup>۲۴</sup> نکته مهم این است که در برنامه ریزی راهبردی دولت بوش کشورهای عراق، ایران، سوریه، لیبی و کره شمالی برای حمله احتمالی شناسایی شده بودند؛<sup>۲۵</sup>

۶. وجود مسابقات تسلیحاتی بین کشورهای منطقه مانند اسرائیل، مصر، سوریه، ایران، عراق، عربستان، الجزایر، لیبی و مراکش؛



۷. دشواری پیش بینی دشمنان آینده و عدم اعتماد به دوستان امروزی که نیاز به کسب توانایی نظامی کشورها را افزایش می دهد؛

۸. تاثیر روندهای فراگیرتر در خاورمیانه «بزرگ تر» که محاسبات امنیتی پیامدهای مسابقات تسلیحاتی سایر کشورها [مانند کره شمالی- کره جنوبی، هند- پاکستان] را ضروری می سازد؛

۹. سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای پیشرفته به عنوان ابزار قدرتمندی برای باج گیری ارزش پیدا کرده اند، حتی اگر در جنگ به کار نروند؛

۱۰. سلاحهای کشتار جمعی، کم هزینه تر تصور می شوند. برخی از دولتها به جای واردات و یا تولید داخلی سلاحهای متعارف گران تر، ممکن است تصمیم به دستیابی به تسلیحات نامتعارف بگیرند؛

۱۱. واکنش به نبود رژیم کنترل تسلیحات موثرتر و موفق تر؛

۱۲. کسب توانایی انجام عملیات پنهان یا نامتوازن توسط دولتها، مأموران آنها و یا گروههای تروریستی.<sup>۲۶</sup>

با توجه به این انگیزه ها هیچ بعید نیست که کشورهای منطقه ای مانند ترکیه، عربستان و یا کویت به سوی مسابقه سلاحهای نامتعارف کشیده شوند. از قرار معلوم، رهبران جوان ترکیه در مورد اتمی شدن ایران ابراز نگرانی کرده و بیان داشته اند که دولت آنکارا باید در صدد کسب چنین توانایی برآید.<sup>۲۷</sup> در مورد جاه طلبیهای هسته ای عربستان در منابع موجود، مدرک معتبری برای پذیرش ادعای اسراییلی ها که به طور مرتب به انگیزه های اتمی شدن عربها و سایر کشورهای خاورمیانه اشاره می کنند، وجود ندارد. پس از افشای فعالیتهای عبدالقدیر خان، مدیر پیشین برنامه تسلیحات هسته ای پاکستان و پدر بمب اتمی این کشور، شایع شد که عربستان نیز مانند ایران، عراق، سوریه و لیبی از شبکه وی فناوری هسته ای دریافت کرده است. در سپتامبر ۲۰۰۳، در روزنامه گاردین خبری منتشر شد، دال بر اینکه عربستان نگران برنامه اتمی ایران و نیز نبود فشار بین المللی بر اسراییل برای خلع

سلاح هسته‌ای است.<sup>۲۸</sup> عربستان در دهه ۱۹۸۰ اقدام به خرید پنهانی موشک‌های بالستیک بلند برد سی اس اس-۸ با قابلیت پرتاب کلاهک‌های اتمی از چین نمود. پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، رابطه امنیتی عربستان و آمریکا تضعیف شد و استدلال می‌شود که عربستان در پی کسب توانایی نظامی مستقل از دولت واشنگتن برای حفظ امنیت خود است. این روزنامه به یک گزارش راهبردی ریاض اشاره کرد که در آن سه راه حل به شرح زیر برای حفظ امنیت ملی عربستان ارایه شده بود:

۱. کسب توانایی هسته‌ای برای بازدارندگی؛  
۲. پیوستن به یک پیمان نظامی یا ایجاد چنین اتحادی برای قرار گرفتن در زیر «چتر اتمی» یک قدرت اتمی؛ و

۳. آغاز مذاکره برای تشکیل منطقه عاری از سلاح‌های اتمی در خاورمیانه.<sup>۲۹</sup>

البته دولت عربستان ادعای این مقاله را رد کرد و بیان داشت که اسرائیل تنها کشور خاورمیانه‌ای است که تا به امروز مخالفت خود را با تمام طرح‌های ارایه شده برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های اتمی ابراز داشته است. یکی از دیپلمات‌های عربستان به نام محمد خلیوی، که به آمریکا پناهنده شد، ادعا کرده بود که «عربستان از سال ۱۹۷۵ به دنبال سلاح‌های اتمی بوده است.» وی مدارکی ارایه نمود که عربستان بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ تا ۵ میلیارد دلار به صدام حسین برای تولید بمب هسته‌ای پرداخت کرد، به این شرط که تعدادی از این سلاح‌های اتمی در اختیار عربستان قرار گیرد. خلیوی همچنین ادعا می‌کند که «بر مبنای موافقت‌نامه‌ای که مخفیانه به امضای طرفین رسیده است، پاکستان نیز در زمره کشورهای دریافت‌کننده کمک‌های مالی عربستان برای گسترش برنامه اتمی خود قرار گرفت. در مقابل، برای مقابله با چالش‌های امنیتی نامتعارف، سیاستمداران پاکستانی تضمین‌های امنیتی مثبتی را به دولت ریاض که بیش از ۲۰ سال تامین‌کننده بخشی از هزینه‌های پژوهش و توسعه سلاح‌های اتمی آنها بود، داده است.»<sup>۳۰</sup>

## راه‌های مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

۱. مقررات کنترل صادرات داخلی: کنگره آمریکا قوانین ویژه‌ای را برای ممنوعیت فروش تجهیزات، مواد و فناوری نظامی و غیرنظامی با کاربرد دوگانه علیه ایران، لیبی، و عراق به تصویب رساند؛ از جمله، لایحه عدم اشاعه تسلیحات ایران-عراق در سال ۱۹۹۹،<sup>(۱)</sup> لایحه عدم اشاعه (تسلیحات اتمی) ایران در سال ۲۰۰۰.<sup>(۲)</sup>

۲. مقررات کنترل صادرات بین‌المللی: معاهده‌ها و قراردادهای بین‌المللی و یا منطقه‌ای برای جلوگیری از انتقال تسلیحات کشتار جمعی، موشک‌های دور برد و یا فناوری تولید آنها منعقد شده‌اند؛ از جمله، توافق بین «گروه عرضه کنندگان هسته‌ای».<sup>(۳)</sup>

۳. تحریم‌های اقتصادی - شامل ممنوعیت همکاری‌های دانشگاهی و علمی - برای جلوگیری از انتقال مهارت‌ها: دولتهای تحریم شده گاهی در صدد استخدام کارشناسان و متخصصان خارجی بر می‌آیند تا نیروهای داخلی آنها را آموزش داده و یا به طور مستقیم در برنامه تسلیحاتی آنها فعالیت داشته باشند. در موارد دیگر، این دولتها دانشمندان و متخصصان خود را برای گذراندن دوره‌های آموزشی و یا ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با برنامه‌های توسعه و تولید تسلیحات به خارج اعزام می‌کنند. برخی از کشورهای پیشرفته در این رشته‌های تخصصی مبادرت به وضع قوانینی برای نظارت بر چنین انتقال‌های دانش فنی کرده‌اند تا افرادی که به اطلاعات طبقه بندی شده دسترسی دارند، نتوانند به طور قانونی نسبت به فروش و انتقال آنها به افراد و دولتهای بیگانه اقدام کنند. قانون انرژی اتمی آمریکا<sup>(۳)</sup> در اختیار قرار دادن فناوری هسته‌ای به دیگران را برای شهروندان آمریکایی ممنوع کرده است. ممنوعیت تحصیل بیگانگان در رشته‌هایی مانند فیزیک اتمی، مهندسی شیمی، و بیوشیمی به این دلیل که برای برنامه‌های تسلیحات اتمی، شیمیایی و بیولوژیک مفید می‌باشند، پیشنهاد شده است، اما به دشواری اجرا شدنی خواهد بود. به جای مجازات و موانع قانونی، راهی تشویقی

1. Iran-Iraq Arms Non-Proliferation Act of 1991

2. Iran Non-Proliferation Act of 2000

3. The U.S. Atomic Energy Act



نیز برای نظارت بر انتقال نیروی انسانی متخصص و ماهر در نظر گرفته شده است. کشورهای غربی در تلاش هستند تا مراکز علوم و فنونی جهت استخدام دانشمندان شوروی که بیکار یا ناراضی از موقعیت شغلی خود هستند، ایجاد کنند. فرض بر این است که این افراد انگیزه خود را برای همکاری در برنامه های تسلیحاتی رژیمهای طرد شده ای مانند رژیم صدام حسین از دست خواهند داد. افزایش انتقال بین المللی دانش فنی، کالاهای فناوری پیشرفته و دانشمندان و کارشناسان آموزش دیده مجرب باعث کاهش قدرت آمریکا و هم پیمانهایش برای جلوگیری از دستیابی کشورهای سرکش و اعتماد ناپذیر به فناوریهای مربوط به تولید سلاحهای کشتار جمعی شده است. البته کسب توانایی فنی به خودی خود برای تولید این سلاحها کافی نبوده و عواملی مانند تحلیل هزینه ها و منافع اقتصادی، ملاحظات دیپلماتیک، سیاسی، سازمانی و اخلاقی نیز در تصمیم یک دولت برای تولید چنین سلاحهایی تاثیر دارد. در انتها، موثرترین اقدام برای مقابله با اشاعه تسلیحات نامتعارف، متقاعد ساختن یک کشور است که دنبال این جنگ افزارها بودن به نفع آنها نخواهد بود.<sup>۳۲</sup>

۴. واکنشهای نظامی و دیپلماتیک قوی تر: پس از بیرون راندن نیروهای عراقی از کویت، عراق مجبور شد تا دست از اقدامات خصمانه برداشته، زندانیان سیاسی را آزاد کرده، داراییهای کویت را بازگرداند، با ارایه اطلاعات لازم، به شناسایی محل مینهای زمینی و سایر مواد منفجره در خاک کویت کمک کرده و غرامت جنگی بپردازد. در ۳ آوریل ۱۹۹۱، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۶۸۷، به طور رسمی شرایط آتش بس را اعلام کرد و عراق ملزم به اجرای تعهداتی بلندمدت شد که مهم ترین آنها عبارت بود از منع عراق از تولید، توسعه و نگهداری موشکهای دوربرد و سلاحهای اتمی، بیولوژیک و شیمیایی. پاراگراف ۱۰-۷ این قطعنامه مربوط به سلاحهای کشتار جمعی می شود. عراق در گزارش اول خود مقادیری سلاحهای شیمیایی و ۵۳ موشک بالستیک الحسین و اسکاد را آشکار کرد، اما انکار نمود که سلاحهای بیولوژیک و اتمی و مواد هسته ای بمب سازی در اختیار دارد. در پی بازرسیهای سازمان بین المللی انرژی اتمی، عراق تعداد بیشتری موشک، سلاح شیمیایی و

مقادیری مواد اتمی در مراکز و تاسیسات خود در ال-تویتا و ال-قیم را که زیر نظارت این سازمان بودند، گزارش کرد.<sup>۳۳</sup>

۵. انزوای دیپلماتیک.

۶. تحریم تجاری: از این حربه در خاورمیانه بزرگ علیه کشورهای که - مانند ایران، عراق، پاکستان و لیبی - دارای برنامه انرژی اتمی صلح آمیز و یا تسلیحات کشتار جمعی هستند، استفاده شده است. با موافقت لیبی با بازرسیهای گسترده از مراکز اتمی و شیمیایی، دسترسی به دانشمندان و متخصصان لیبیایی و ایجاد محدودیت برد ۳۰۰ کیلومتری برای موشکهایش، تحریمهای اقتصادی علیه این کشور عربی برداشته شد. تحریمهای سازمان ملل بر لیبی در سال ۱۹۹۹ به حالت تعلیق درآمده بودند، اما در سال ۲۰۰۳ همراه با تحریمهای یک جانبه آمریکا به طور کامل برداشته شدند. با آغاز همکاری دولت پرویز مشرف در نبرد آمریکا علیه طالبان در افغانستان، واشنگتن به تحریم ضد پاکستان خاتمه داد. از سوی دیگر، پس از برکناری صدام حسین عراق نیز از فهرست کشورهای تحت تحریم یک جانبه آمریکا کنار گذاشته شد.

۷. تضمینهای امنیتی یک جانبه یا چند جانبه برای دفاع از قربانیان حمله‌های اتمی،

بیولوژیک و شیمیایی.

۸. کمکهای غیر مستقیم برای دفاع از قربانیان تهاجم یا استفاده از سلاحهای کشتار

جمعی.

۹. پاسخهای نظامی به اقدامات غیرقانونی کشورها برای دستیابی و استفاده از

سلاحهای کشتار جمعی: حمله نظامی اسرائیل به نیروگاه عراق در ۱۹۸۱ نخستین نمونه بارز واکنش نظامی به برنامه‌های تسلیحات اتمی کشوری غیر اتمی است. ولی تنها پیامد این اقدام نظامی این بود که اتمی شدن عراق را به عقب انداخت، ولی مانع عمده‌ای ایجاد نکرد. در واقع دولت بغداد در مخفی کاری و پراکنده کردن مراکز پژوهش، توسعه و تولید سلاحهای نامتعارف مصمم تر شد.

۱۰. حمله نظامی مستقیم: به بهانه لزوم نابودی مراکز تولید سلاحهای کشتار جمعی عراق، رییس جمهور آمریکا در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ دستور حمله به این کشور را با هدف واژگونی رژیم صدام حسین صادر کرد.<sup>۳۴</sup> بوش بر این باور بود که اگر عراق به توانایی اتمی دست پیدا کند، بازدارندگی وی غیرممکن خواهد بود.<sup>۳۵</sup>

۱۱. اقدامات خراب کارانه برای نابودی تجهیزات یا مواد لازم برای تولید سلاح پیش از انتقال در خاک انتقال دهنده یا خاک دریافت کننده.

۱۲. ترور شخصیت‌های اصلی، مانند جرال بال متخصص بالستیک کانادایی که به عراق در طراحی تفنگ بزرگ،<sup>(۱)</sup> کمک کرد و در بروکسل (۱۹۹۰) به دست عوامل موساد کشته شد. درخواست بازرسان سازمان ملل برای افشای نام دانشمندان عراقی مشغول به فعالیت در برنامه اتمی رد شد؛ زیرا دولت بغداد نگران بود که این افراد مورد هدف آدم‌ربایی و ترور قرار گیرند.<sup>۳۶</sup>

۱۳. ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و جهانی برای کاهش احتمال بروز حمله‌های اتمی، شیمیایی و بیولوژیک:<sup>۳۷</sup> گذشته از این راه‌های متداول برای حل مشکل فزاینده دسترسی کشورهای جدید به جنگ افزارهای نامتعارف، جورج بوش برای جلوگیری از اشاعه سلاحهای کشتار جمعی اقدامات هفت گانه زیر را در ۱۱ فوریه ۲۰۰۴ در سخنرانی خود در دانشگاه دفاع ملی در واشنگتن پیشنهاد کرد: ۱. طرح ابتکاری امنیت گسترش،<sup>۳۸</sup> یعنی اهمیت بیشتر قائل شدن برای هدف جلوگیری از اشاعه سلاحهای کشتار جمعی؛ ۲. تقویت قوانین و مقررات بین‌المللی مربوط به اشاعه سلاحهای کشتار جمعی توسط همه کشورها؛ ۳. حمایت بیشتر از لایحه نان-لوگار<sup>۳۹</sup> در ارتباط با سلاحهای کشتار جمعی جمهوریهای سابق شوروی؛ ۴. تشکیل کمیته‌ای جدید در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی با هدف تقویت پادمانهای هسته‌ای؛ ۵. ممنوعیت به ریاست رسیدن و عضو شدن در شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی از سوی کشوری که برنامه‌های هسته‌ای آن در حال رسیدگی است؛ ۶. تنها کشورهای



که در حال حاضر دارای نیروگاههای اتمی تولید نیرو و نیز تأسیسات غنی سازی هستند، مجاز باشند که تجهیزات و فناوری غنی سازی از «گروه عرضه کنندگان هسته‌ای» دریافت کنند؛<sup>۷</sup> پیش شرط دریافت و واردات تجهیزات لازم برای برنامه های هسته‌ای صلح آمیز کشورها، باید امضاء و اجرای پروتکل الحاقی به موافقت‌نامه پادمان هسته‌ای سازمان بین‌المللی انرژی اتمی باشد.<sup>۲۰</sup>

### نتیجه گیری

شکست هفتمین کنفرانس بازبینی معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی که در نیویورک (مه ۲۰۰۵) برگزار شد، باعث تضعیف رژیم عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای گردید. به رغم وخیم بودن وضع موجود، بسیاری از کشورهای عضو معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی به تعهدات خود عمل نکردند و با وجود جدیت بسیاری دیگر از شرکت کنندگان، در واقع این کنفرانس نسبت به دو کنفرانس بازنگری در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ قدمی به عقب بود. کشورهای هسته‌ای اصلی (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان) به تعهدات خود طبق ماده ششم معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی عمل نکرده و جدیتی در امر کاهش زرادخانه هسته‌ای خود به خرج نداده‌اند. شگفت‌انگیز است که همین کشورها در تلاش هستند تا دسترسی به فناوری هسته‌ای را برای کشورهای بدون سلاحهای هسته‌ای ممنوع کنند. دولت بوش از برنامه‌های هسته‌ای جدیدی برای تولید سلاحهای تاکتیکی اتمی که احتمال دارد مستلزم از سرگیری آزمایشهای هسته‌ای باشند، دفاع کرده است. در کنگره آمریکا بحث بر سر این مسئله است که آیا با ساخت انواع جدید تسلیحات اتمی موافقت بشود یا نه؟ موافقان استدلال می‌کنند که سلاحهای «سنگر خراب کن»<sup>(۱)</sup> یا نفوذکننده در اعماق زمین برای تخریب تشکیلات و مراکز تولید سلاحهای کشتار جمعی و یا مراکز فرماندهی و نظارت دشمنان آمریکا که اقدام به ساخت پناهگاهها و سنگرهایی در زیر زمین، خارج از

1. Bunker Buster

محدوده دسترسی (تیررس) مهمات متعارف آمریکایی می‌کنند، ضروری است. آنان ادعا می‌کنند که سلاحهای اتمی کوچک<sup>(۱)</sup> برای بازدارندگی کشورهای یاغی از استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای نامتعارف مفید خواهند بود. مخالفان بر این باورند که حتی سلاحهای اتمی کوچک نیز اگر در اعماق زمین منفجر شوند، نه تنها خرابیهایی ناشی از آتش سوزی پس از انفجار به بار می‌آورند، بلکه کاربرد آنها منتهی به فروریزش مواد رادیواکتیویته قابل ملاحظه‌ای هم می‌شوند. پس از گذشت بیش از سه دهه از امضای این معاهده، کم‌کاریها و سهل‌انگاریهای بسیاری در رژیم منع گسترش سلاحهای اتمی دیده می‌شود. موارد مشکل‌آفرین‌تر عبارتند از:

- وجود ۳۰ هزار تسلیحات هسته‌ای در جهان: مذاکرات مربوط به کنترل سلاحهای راهبردی بین آمریکا و روسیه به کندی پیش می‌رود و در نتیجه آمریکا هنوز دارای حدود ۳۰۰۰ کلاهک اتمی بوده، و روسیه حدود ۱۱۰۰۰ کلاهک در انبارهای تسلیحاتی خود نگه‌داری می‌کند. از این تعداد، حدود ۲۰۰۰ کلاهک هسته‌ای هر دو طرف در حالت هشدار بالا<sup>(۲)</sup> قرار دارند.

- معاهده منع کامل آزمایشهای اتمی<sup>(۳)</sup> به مورد اجرا در نیامده است: وزارت امور خارجه آمریکا در بروشور جدیدی که برای توزیع بین نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای<sup>(۴)</sup> در مه ۲۰۰۵ تهیه شده بود، به معاهده منع کامل آزمایشهای هسته‌ای اشاره ای نمی‌کند. این معاهده را ۱۲۱ کشور امضا کرده و به تصویب رسانده‌اند، و در زمان زمامداری کلینتون آمریکا به آن پیوست، ولی توسط دولت بوش به تصویب نرسیده است. این بروشور به رویدادهای سال ۲۰۰۰ که در آن در کنفرانس بازنگری، آمریکا همراه با سایر کشورهای اتمی متعهد می‌شود تا با ۱۳ اقدام عملی به سوی خلع سلاح هسته‌ای گام بردارد و یکی از این اقدامات مربوط به معاهده منع

1. Mini-nukes
2. High Alert
3. Comprehensive Test Ban Treaty (CTBT)
4. Non-Proliferation Treaty (NPT)

کامل آزمایش‌های هسته‌ای می‌شود، اشاره‌ای نمی‌کند. بر عکس، در این کنفرانس نماینده آمریکا در تلاش بود تا به جای مذاکره در زمینه خلع سلاح و برنامه‌های اتمی آمریکا و سایر کشورهای دارای توانایی اتمی، تنها روی برنامه اتمی کره شمالی و ایران تاکید شود.

- مذاکرات مربوط به معاهده اف‌ام‌سی‌تی<sup>(۱)</sup> برای تعیین سقف مواد اتمی با هدف ممنوعیت تولید اورانیوم بسیار غنی شده آماده تبدیل به سلاح، هنوز آغاز هم نشده است: گروه بزرگی از کشورهای مهم مانند آلمان، ژاپن، کانادا، نروژ و هلند به همراه هفت کشور عضو «اتحاد دستور کار جدید» (آفریقای جنوبی، ایرلند، برزیل، زلاندنو، سوئد، مکزیک و مصر) که با پنج کشور اصلی اتمی در مورد «۱۳ گام عملی» در کنفرانس بازنگری ان. پی. تی در سال ۲۰۰۰ به توافق رسیده بودند، به شدت از روند کند تصویب «معاهده محدودیت مواد شکافنده» انتقاد می‌کنند. کلینتون از این معاهده در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۹۳ چنین حمایت کرده بود: «ما در جستجوی اقدامات جدیدی برای نظارت بر مواد اتمی خواهیم بود. ذخایر فزاینده جهانی پلوتونیوم و اورانیوم بسیار غنی شده خطر تروریسم هسته‌ای را در تمام ملل افزایش داده است. ما برای موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی که تولید این مواد را برای همیشه ممنوع می‌کند، پافشاری خواهیم کرد.» این در حالی است که دولت بوش مخالفت خود را با این معاهده به دلیل هزینه زیاد و نیاز به رژیم بازرسی بسیار گسترده برای اطمینان حصول از اجرای مفاد آن در ژوئیه ۲۰۰۴ اعلام کرد.<sup>۴۱</sup>

- اقدامات موثری برای کنترل و نابودی ذخایر موجود اورانیوم بسیار غنی شده که می‌تواند به دست گروه‌های تروریستی بیفتد، صورت نگرفته است.

- هیچ توجهی به وجود تعداد زیادی سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی در زرادخانه‌های قدرتهای هسته‌ای بدون آنکه توجیه نظامی قابل قبولی برای تولید و ذخیره آنها ارایه شود، نشده است.

- استقرار سلاح‌های متعارف و نامتعارف در فضا به مرحله عمل نزدیک‌تر می‌شود: در

1. Fissile Materials Cut off Treaty (FMCT)



یکی از اسناد برنامه ریزی سری پنتاگون که در مه ۲۰۰۲ علنی شد، افشا گردید که آمریکا در صدد «کنترل» فضا برای اجرای راهبرد «بازدارندگی پیشدستانه» است و هیچ هدفی روی کره زمین و یا فضا از حمله‌های نظامی آمریکا محفوظ نخواهد بود.<sup>۴۲</sup> بروشور فرماندهی فضایی دوران کلینتون به عنوان «چشم انداز ۲۰۲۰»<sup>(۱)</sup> هدف اصلی نظامی شدن فضا را «برتری بر جنبه فضایی عملیات نظامی برای حفظ منافع و سرمایه گذاری آمریکا» اعلام کرد.<sup>۴۳</sup>

- هنوز سه کشور اتمی (هند، پاکستان و اسرائیل) به معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی نپیوسته اند.

راهبرد دولت بوش (حمله پیش گیرانه) برای رفع تهدیدهای سلاحهای کشتار جمعی ایجاب می کند که از سلاحهای اتمی کوچک بیشتر استفاده شود و دیگر سلاحهای اتمی فقط برای بازدارندگی نباشند. این امر منجر به تضعیف تلاشهای بین المللی برای کاهش ارزش و کاهش نقش سلاحهای اتمی در برنامه ریزی نظامی دولتها می شود. زمان و فرصت برای جلوگیری از فاجعه اتمی در حال به اتمام رسیدن است. نیاز به راه حلهای سیاسی برای حل مشکلات امنیتی و اختلافهایی که یا منجر به تروریسم بین المللی شده، یا احتمال استفاده از سلاح کشتار جمعی را بیشتر می کند، وجود دارد. امنیت جهانی باید بر نهادهای بین المللی و قانونمداری استوار باشد، تا بر روی اقدامات یک جانبه و تاکید بیش از حد بر نیروی نظامی. البته تصویر آینده خلع سلاح در خاورمیانه سیاه نیست و جای امیدواری برای موفقیت تلاشهای مستمر دولتی و غیر دولتی برای ایجاد منطقه عاری از سلاحهای کشتار جمعی وجود دارد. سه رویداد مهم تا حدی دلگرم کننده برای طرفداران کنترل تسلیحات کشتار جمعی به وقوع پیوسته است: اول اینکه، با سرنگونی رژیم بعثی در عراق، یکی از تهدیدهای امنیتی عمده برای همسایگان عراق از بین رفت؛ دوم اینکه، در دسامبر ۲۰۰۳، دولت لیبی به ظاهر در حرکتی داوطلبانه تصمیم به توقف برنامه هسته‌ای خود گرفت. معمر قذافی که سالها به عنوان یکی از رهبران تندروی ضد غربی مطرح بود، به دلایل ژئواستراتژیک، سیاسی و فردی

به ناگهان آمادگی خود را برای همکاری در زمینه کنترل سلاح‌های کشتار جمعی اعلام کرد و با دعوت از کارشناسان غربی و بازرسان سازمان ملل برای بازدید از مراکز مورد سؤال و آرایه اطلاعات در مورد تجهیزات، مواد و اسناد لیبی به برقراری روابط بهتر دیپلماتیک با دنیای غرب پرداخت؛ سوم آنکه، افزایش آگاهی عمومی از انحصار اتمی اسرائیل می‌تواند به افزایش فشارهای بین‌المللی برای خلع سلاح یا دست‌کم کنترل تسلیحات اسرائیل منجر شود.

## جدول ۱- موارد کاربرد سلاحهای کشتار جمعی در خاورمیانه

سلاحهای شیمیایی	موشکهای بالستیک	موشکهای کروز
- ایتالیا علیه لیبی (اواخر ۱۹۴۰)	- مصر علیه اسرائیل (۱۹۷۳)	- مصر علیه اسرائیل (۱۹۶۷)
- ایتالیا علیه اتیوپی (۱۹۳۵-۳۶)	- سوریه علیه اسرائیل (۱۹۷۳)	- اسرائیل علیه سوریه (۱۹۷۳)*
- مصر علیه نیروهای سلطنت طلب در جنگ داخلی یمن (۱۹۶۳-۶۷)	- عراق علیه ایران (۱۹۸۰-۸۸)	- اسرائیل علیه مصر (۱۹۷۳)
- عراق علیه ایران در جنگ ایران و عراق (۱۹۸۳-۸۸)**	- ایران علیه عراق (۱۹۸۰-۸۸)	- سوریه علیه اسرائیل (۱۹۷۳)
- لیبی علیه چاد (۱۹۸۷)	- لیبی علیه آمریکا و ایتالیا (۱۹۸۶)	- عراق علیه آمریکا (۱۹۸۷)***
- عراق علیه کردهای عراقی در حلبچه (۱۹۸۸)	- عراق علیه اسرائیل، بحرین و عربستان سعودی (۱۹۹۱)	- آمریکا علیه ایران (۱۹۸۸)
- سودان علیه شورشیان سودانی (۱۹۸۹)	- یمن شمالی علیه یمن جنوبی در جنگ داخلی یمن (۱۹۹۴)	- ایران علیه نیروهای دریایی آمریکایی در خلیج فارس (۱۹۸۸)
		- آمریکا علیه عراق (۱۹۹۱، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۲۰۰۳، ۱۹۹۸)****
		- آمریکا علیه سودان (۱۹۹۸)

\* در اکتبر و نوامبر ۱۹۷۳ نیروی دریایی اسرائیل با موشکهای ضد کشتی گابریل اقدام به غرق کشتیهای مصری و سوری کرد.

\*\* عراق طی سالهای ۸۸-۱۹۸۳ از گازهای شیمیایی خردلی و عصبی علیه پرسنل نظامی ایران استفاده کرد.

\*\*\* عراق در ۱۷ مه ۱۹۸۷ دو موشک اگزوست علیه کشتی استارک آمریکا در آبهای خلیج فارس پرتاب کرد.

\*\*\*\* در حمله ای انتقام جویانه، کلینتون در آوریل ۱۹۹۳ دستور پرتاب ۲۳ موشک به مراکز اطلاعاتی عراق را برای مجازات صدام حسین پس از افشای نقشه ترور رییس جمهور اسبق آمریکا، جورج بوش، در سفرش به کویت صادر کرد. بین ۱۶ و ۱۹ دسامبر ۱۹۹۸ آمریکا بیش از ۴۰۰ موشک کروز توماهاک علیه صد مرکز نظامی عراق به کار گرفت. هدف این حمله‌های موشکی نابودی توانایی عراق برای تولید توسعه و انبار سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی بیان شده است.

منبع:

Michael Barletta and Erik Jorgensen, *Reported Use of Chemical Weapons, Ballistic Missiles, and Cruise Missiles in the Middle East*, The Center for Nonproliferation Studies, Monterey Institute of International Studies, May 1999, at : <http://cns.miis.edu/research/wmdme/timeline.htm>>



جدول ۲- زرادخانه موشکی کشورهای خاورمیانه بزرگ (۲۰۰۱)

کشور	نام موشک بالتستیک	وضعیت کاربرد	*پر د موشک (به کیلومتر)	قابلیت حمل کلاهک (به کیلو)	کشور صادرکننده موشک یا فناوری تولید و نگهداری آن
آذربایجان	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی
ارمنستان	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	روسیه
اسرائیل	لنس	فعال	۱۳۰	۴۵۰	آمریکا
	اریحا-۱	فعال	۵۰۰	۵۰۰	فرانسه و صنایع داخلی
	اریحا-۲	فعال	۱۵۰۰	۱۰۰۰	فرانسه و صنایع داخلی
	اریحا-۳	در حال توسعه	۲۵۰۰	۱۰۰۰	صنایع داخلی
افغانستان	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی
امارات متحد عربی	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی
ایران	موشک-۱۲۰	فعال	۱۳۰	۱۵۰	چین و صنایع داخلی
	سی اس اس-۸	فعال	۱۵۰	۱۹۰	چین
	موشک-۱۶۰	فعال	۱۶۰	۵۰۰	چین و صنایع داخلی
	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	کره شمالی و لیبی
	اسکاد-سی	فعال	۵۵۰	۶۰۰	کره شمالی
	شهاب-۳	آزمایش شده	۱۳۰۰	۷۰۰	کره شمالی و روسیه و صنایع داخلی
	شهاب-۴	در حال توسعه	۲۰۰۰	۱۰۰۰	کره شمالی و روسیه و صنایع داخلی
	شهاب-۵	در حال توسعه	۳۰۰۰-۵۵۰۰	۱۰۰۰	روسیه و صنایع داخلی
بحرین	اتی ای سی امز	تحويل ۲۰۰۲	۱۶۵	۵۶۰	آمریکا
پاکستان	هفت ۱	فعال	۱۰۰-۸۰	۵۰۰	تولید داخلی
	ام ۱۱	فعال	۲۸۰	۸۰۰	چین
	هفت ۲	شاید متوقف شده	۳۰۰	۵۰۰	چین و تولید داخلی
	هفت ۳	در حال توسعه	۳۰۰	۵۰۰	چین و تولید داخلی
	تارموک	در حال توسعه	۷۵۰	۵۰۰	چین و تولید داخلی
	شاهین ۱	آزمایش شده	۷۵۰	۵۰۰	چین و تولید داخلی
	غاری ۱	در حال توسعه	۱۳۰۰+	۷۰۰	کره شمالی و تولید داخلی
	شاهین ۲	در حال توسعه	۲۰۰۰	نامشخص	کره شمالی و تولید داخلی
غزنوی غاری ۲	در حال توسعه آزمایش شده	۲۰۰۰ ۲۳۰۰	نامشخص ۷۰۰	تولید داخلی کره شمالی و تولید داخلی	
ترکمنستان	اسکاد-ب	فعال	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی

آمریکا	۵۰۰	۱۶۵	فعال	اتی ای سی امز	ترکیه
شوروی	۴۸۰	۱۲۰	فعال	اس اس ۲۱	سوریه
شوروی و تولید داخلی	۱۰۰۰	۳۰۰	فعال	اسکاد ب	
کره شمالی و صنایع داخلی	۶۰۰	۵۰۰	فعال	اسکاد سی	
کره شمالی و صنایع داخلی	۲۰۰	۷۵۰	آزمایش شده	اسکاد دی	
تولید داخلی	۳۰۰	۱۰۰-۱۵۰	متوقف شده	ابابیل-۱۰۰	عراق
تولید داخلی	۳۰۰	۱۵۰	متوقف شده	ال سمود	
شوروی	۱۰۰۰	۳۰۰	منهدم شده	اسکاد ب	
شوروی و تولید داخلی	۵۰۰	۶۵۰-۶۰۰	منهدم شده	ال حسین	
شوروی و تولید داخلی	۳۰۰	۹۰۰	منهدم شده	ال عباس	
چین	۲۱۵۰	۲۸۰۰	فعال	سی اس اس ۲	عربستان سعودی
شوروی	۱۰۰۰	۳۰۰	فعال	اسکاد ب	گرجستان
تولید داخلی	۵۰۰	۲۰۰	آزمایش شده	ال فتاح	لیبی
شوروی	۱۰۰۰	۳۰۰	فعال	اسکاد ب	
کره شمالی	۶۰۰	۵۵۰	شاید فعال	اسکاد سی	
کره شمالی	۷۵۰	۱۳۰۰	شاید فعال	نودانگ ۱	
شوروی	۱۰۰۰	۳۰۰	فعال	اسکاد ب	مصر
کره شمالی و صنایع داخلی	۹۸۵	۴۵۰	فعال	پروژه تی	
کره شمالی	۶۰۰	۵۵۰	فعال	اسکاد سی	
کره شمالی و صنایع داخلی	۴۵۰	۶۸۵	در حال توسعه	و کتر	
شوروی	۴۸۰	۱۲۰	فعال	اس. اس. ۲۱	یمن
شوروی	۱۰۰۰	۳۰۰	فعال	اسکاد ب	

اتی ای سی امز- موشک تاکتیکی نیروی زمینی، و پروژه تی نوعی اسکاد است.

#### Army Tactical Missile System (ATACMS)

- \* موشکهای بالستیک در اینجا در چهار گروه به ترتیب زیر طبقه بندی می شوند: ۱. موشکهای کوتاه برد (برد کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر)؛  
 ۲. موشکهای با برد متوسط (برد بین ۱۰۰۰ و ۳۰۰۰ کیلومتر)؛  
 ۳. موشکهای دور برد (برد بین ۳۰۰۰ و ۵۵۰۰ کیلومتر)؛ ۴. موشکهای قاره پیمای (برد بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر).  
 طبقه بندی پنج گانه دیگری به شرح زیر اغلب مورد استفاده قرار می گیرد: ۱. موشکهای کوتاه برد صحنه نبرد (برد کمتر از ۱۵۰ کیلومتر)؛ ۲. موشکهای کوتاه برد (برد بین ۱۵۰ و ۷۹۹ کیلومتر)؛ ۳. موشکهای با برد متوسط (برد بین ۸۰۰ و ۲۳۹۹ کیلومتر)؛ ۴. موشکهای دور برد (برد بین ۲۴۰۰ و ۵۴۹۹ کیلومتر)؛ ۵. موشکهای قاره پیمای (برد بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر). برای شرح این طبقه بندی بنگرید به:

The Centre for Defence and International Studies. *Range Classifications*. . at : <http://www.cdiss.org>

منبع:

ACT. "Global Missile Proliferation. June 2001." *Arms Control Association Factfile*. at: <http://www.armscontrol.org/ACT/jun01/factfilejun01.htm>



## پاورقیها:

1. Wendy Barnaby, *The Plague Makers: The Secret World of Biological Warfare*, London: Satin Publications, 1999, pp. 10-11.
2. U.S. Congress, Office of Technology Assessment, *Proliferation of Weapons of Mass Destruction: Assessing the Risks*. OTA-ISC-559, Washington, DC: U.S. Government Printing Office, August 1993, p. 2.
3. Martin B. Kalinowski, "Nuclear Arms Races and Arms Control at the Beginning of the 21st Century," *Security Dialogue*, Vol. 35, No. 2, 2004, pp. 27-225.
4. Danny Shoham, "Chemical Weapons in Egypt and Syria" *Evolution, Capability, Control.*" *Middle East Security Studies*, No. 21, June 1995, pp. 51-86; and Danny Shoham, "The New Map of Chemical and Biological Weapons in the Middle East," *NATI*, VOL. 4, June 2004, at: <<http://www.acpr.org.il/english-nativ/04-issue/shoham-4.htm>>
5. Ibid.
6. Dany Shoham, op. cit.  
۷ در سالهای ۱۹۸۴ یا ۱۹۸۵ زمانی که عراق در حال جنگ با ایران بود، رژیم بعثی تلاشهایی را با همکاری آرژانتین و مصر برای توسعه و تولید یک سیستم موشکی پیشرفته با برد ۱۰۰۰ کیلومتر که در عراق و مصر موسوم به بدر ۲۰۰۰ و در آرژانتین کاندور ۲ نامیده می شد، آغاز کرد. هزینه های این برنامه تسلیحاتی را دولت عراق تقبل کرد. آرژانتین بر مبنای قراردادی مسئولیت ساخت این موشک را بر عهده گرفته و مصر با همکاری نزدیک سازمان توسعه صنعتی اتحادیه عرب به دنبال کسب فناوری لازم بود. شماری از شرکتهای اروپایی و آمریکایی نیز به طور مستقیم در این پروژه با انتقال تجهیزات و فناوری لازم برای ایجاد بخشهایی از زیرساختارهای مورد نیاز برای تولید انبوه موشکهای کاندور ۲ مشارکت داشتند. برای توضیحات بیشتر در مورد این پروژه که پس از جنگ دوم خلیج فارس متوقف شد، گزارش آنسکام، رش به:  
[UNSCOM.ReporttotheSecurityCouncil, January 25, 1999. at: http://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iraq/un/990125/dis-miss.htm](http://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iraq/un/990125/dis-miss.htm)
8. "Global Missile Proliferation; June 2001," *Arms Control Association Factfile.*" at: <http://www.armscontrol.org/ACT/Jun01/factfilejun01.htm>.
9. Avner Cohen, "Israel's Nuclear History: The Untold Kennedy-Eshkol Dimona Correspondence," *Journal of Israeli History*, Vol. 16, No. 2, 1995, pp. 175-177; and Mordechi Gazit, "The Genesis of the US- Israeli Military-Strategic Relationship and the Dimona Issue." *Journal of Contemporary History*, Vol. 35, No. 3, 2003, pp. 413-422.
10. Warner D. Farr, LTC, U.S. Army, "The Third Temple's Holy of Holies: Israel's Nuclear Weapons," *The Counterproliferation Papers*; Alabama: Air University, Maxwell Air Force Base, September 1999.
۱۱. برای شرح کاملی از تایخچه برنامه هسته ای اسرائیل و نقش قدرتهای اروپایی در اتمی شدن این کشور، بنگرید به: سعیده لطفیان، «یک بام و دو هوا در زمینه جنگ افزارهای هسته ای در خاورمیانه»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، صص ۷۴-۹۱.
12. Uzi Mahnaimi and Matthew Campbell, "Israel Makes Nuclear Waves With Submarine Missile Test," *London Sunday Times*, June 18, 2000.
13. Peter Beaumont, "Israel Deploys Nuclear Arms in Submarines," *Guardian Unlimited*, Internet Edition, October 12, 2003.
14. Barnaby, op cit., p. 136.
15. Amir Oren, "Mofaz Tells Iran that Israel Won't Allow It Nuclear Capability." *Haaretz* (online), December 21, 2003, at: <<http://www.haaretzdaily.com/hasen/pages/Sh.Art.jhtml?>



itemNo=374249&contrassID=1&subContrassID=5&sbSubContrassID=0&listSrc=Y>.

16. Ministry of Foreign Affairs, Statement on Interview by DM Mofaz on Israel Radio, December 24, 2003, at: <<http://www.israel-mfa.gov.il/MFA/Government/Communiques/2003/Statement+on+Interview+by+DM+Mofaz+on+Israel+Radio.htm>>.

17. "Iran Rejects Mossad Nuclear Claim," BBC News (online), Wednesday, January 26, 2005, at: <[http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle\\_east/4208809.stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/4208809.stm)>.

18. Airpower Research Institute. "Airpower in the Gulf War," in Essays on Air and Space Power. Alabama: Maxwell Air Force Base: Air University Press, August 2002; Cited in J. Marshall Beier, "Discriminating Tastes: Smart Bombs, Non-Combatants, and Nations of Legitimacy in Warfare," Security Dialogue, Vol. 34, No. 4, December 2003, p. 422.

19. James Fallows, "Will Iran be Next?" The Atlantic Monthly, December 2004, pp. 99-110.

20. Patrick Clawson, "How to Rein in Iran without Bombing it," Los Angeles Times, October 5, 2004, at: <<http://www.washingtoninstitute.org/templateCO6.php?CID=731>>.

21. "Nuclear Dangers in the Middle East: Threats and Responses, Featuring Ephraim Sneh and Graham Alison, Policy Watch #995," May 18, 2005., at: <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?cid=2314>.

22. "Iran Vows to React Severely to Israeli Action Against Nuke Sites." The Associate Press, September 23, 2004. . at: <[www.haaretz.com/hasen/objects/pages/PrintArticleEn.jhtml?itemNo=480620](http://www.haaretz.com/hasen/objects/pages/PrintArticleEn.jhtml?itemNo=480620)>.

23. J.D. Crouch, "Assistant Secretary of Defense for International Security Policy." Special Briefing on the Nuclear Posture Review, Washington, DC: Department of Defense, Wednesday, January 9, 2002, at: <[http://www.defenselink.mil/transcripts/2002/t01092002\\_t0109npr.html](http://www.defenselink.mil/transcripts/2002/t01092002_t0109npr.html)>.

24. George W. Bush, National Strategy to Combat Weapons of Mass Destruction, The White House, December 2002, declassified, p. 1. .at: <<http://www.whitehouse.gov>>.

25. Philipp C. Bleek, "Nuclear Posture Review Leaks; Outlines Targets, Contingencies." Arms Control Today, April 2002, at: <[http://www.armscontrol.org/act/2002\\_04/nprapril02.asp](http://www.armscontrol.org/act/2002_04/nprapril02.asp)>.

26. Anthony H. Cordesman, The Evolving Threat from Weapons of Mass Destruction in the Middle East, at: <<http://usinfo.state.gov/journals/itps/0702/ijpe/cordesman.htm>>; and Weapons of Mass Destruction in the Middle East. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies, April 15, 2003.

27. Mustafa Kibaoglu, "Iran's Nuclear Program May Trigger the Young Turks to Think Nuclear," Carnegie Endowment Non-Proliferation Project, December 22, 2004.

28. Ewen MacAskill and Ian Traynor, "Saudis Consider Nuclear Bomb," Guardian (online edition), Thursday, September 18, 2003., at: <<http://www.guardian.co.uk/international/story/0,1044380,00.html#article-continue>>.

۲۹. برای رویارویی با ایرانی انمی، این سه راه حل برای سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز مطرح شده است: Judith S. Yaphe and Kori N. Schake, "The Regional Impact," in The Strategic Implications of a Nuclear-Armed Iran, McNair Paper 64, Washington, DC: NDU Press, 2001; and MacAskill and Traynor, op. cit.

30. MacAskill and Traynor, op. cit., and Richard L. Russell, "A Saudi Nuclear Option?" *Survival*, Vol. 43, No. 2, June 2001, pp. 69-80.

۳۱. گروه عرضه کنندگان هسته‌ای در سال ۱۹۷۴ پس از انفجار اتمی هندوستان با هدف نظارت بهتر بر انتقال فناوری هسته‌ای به کشورهای فاقد توانایی اتمی به وجود آمد. کشورهای عضو عبارتند از: آرژانتین، آفریقای جنوبی، آلمان، اسپانیا، استونی، استرالیا، اسلواکی، اتریش، انگلستان، اوکراین، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایرلند، بلاروس، بلژیک، برزیل، بلغارستان، پرتغال، ترکیه، چک، دانمارک، روسیه، رومانی، ژاپن، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، قبرس، قزاقستان، کانادا، کره جنوبی، لیتوانی، لوکزامبورگ، لهستان، مالتا، مجارستان، نروژ، نیوزیلند، هلند و یونان. برای توضیحات بیشتر رک به:

<http://www.nuclearsuppliersgroup.org>

32. OTA, op. cit., pp. 5 and 91.

33. IISS, *Iraq's Weapons of Mass Destruction: A Net Assessment*, London: the International Institute for Strategic Studies, September 2002, pp. 3-4.

۳۴. برای تحلیل‌سیا از تهدید عراق و نیز برآوردهای دولت تونی بلر بنگرید به:

CIA, *Iraq's Weapons of Mass Destruction Programs*, October 2002, unclassified. at: <http://www.cia.gov>; and UK Joint Intelligence Committee. *Iraq's Weapons of Mass Destruction: The Assessment of the British Government*, September 2002, at: <http://www.pm.gov.uk>.

۳۵. برای بررسی این پرسش که اگر صدام حسین به سلاح اتمی مجهز شده بود، آیا آمریکا به عراق حمله می‌کرد، بنگرید به: Berry Posen, "US Security Policy in a Nuclear-Armed World," or "What if Iraq had had Nuclear Weapons?" *Security Studies*, Vol. 6, No. 3, 1997, pp. 1-31; and Robert L. Jervis, "The Confrontation between Iraq and the US," *European Journal of International Relations*, Vol. 9, No. 2, 2003, pp. 315-337.

36. OTA, op.cit., p. 92.

37. OTA, op.cit., 1993, pp. 95-96.

۳۸. این طرح در ۳۱ مه ۲۰۰۳ از سوی جورج بوش به عنوان تلاشی بین‌المللی برای جلوگیری از انتقال سلاحهای کشتار جمعی، سیستمهای پرتاب آنها مانند موشکهای بالستیک و مواد لازم برای ساخت آنها اعلام شد. رک به:

US Department of State, *The Proliferation Security Initiative*, Washington, DC: Bureau of Nonproliferation, May 26, 2005, at: <http://www.state.gov/tnp/rls/other/46858.htm>.

۳۹. «برنامه اشتراکی برای کاهش تهدید نان - لوگار» که از سوی سناتور سام نان و ریچارد جی. لوگارد معرفی شد، و در ۱۹۹۱ به تصویب کنگره آمریکا با هدف کمک به نابودی سلاحهای کشتار جمعی جمهوریهای سابق شوروی، تغییر شغل دانشمندانی که در زمان شوروی به فعالیتهای تولید و توسعه اسلحه مشغول بودند، و به طور کلی هر نوع اقدامی که تهدید منتج از زرادخانه بر جای مانده از دوران شوروی را کاهش دهد، رسید. برای اطلاعات بیشتر رک به:

<http://lugar.senate.gov/nunlugar.html>

40. Sean Lucas, *The Bush Proposals: A Global Strategy for Combating the Spread of Nuclear Weapons Technology or a Sanctioned Nuclear Cartel?* November 2004, at: <http://www.nti.org/e-research/e3-58a.html>.

41. Jean du Preez, "The Fissban: Time for Renewed Commitment or a New Approach?" *Disarmament Diplomacy*, No. 79, April-May 2005; and John Carlson, "Can a Fissile Material Cut off Treaty be Effectively Verified?" *Arms Control Today*, January-February 2005.

42. Air Force Space Command, *Strategic Master Plan (SMP) FY 04 and Beyond*. November 5, 2002, Cited in Noam Chomsky, *Hegemony Survival: America's Quest for Global Dominance*, London: Penguin Books, 2003, pp. 228-229.

43. Noam Chomsky, op cit., p. 229.